State Studies of Contemporary Iran

02

Vol. 12
Summer 2026

Research Paper

Received: 2026/07/09
Revised: 2026/08/26
Accepted: 2026/08/27
Published: 2026/09/23
P.P: 89-110

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

Assessing the Institutional Agency of the Iranian State in Confronting Hybrid Threats: A Case Study of the Ramadan War (2025–2026)

Afshin Karami *[1] | Majid Nejatpour [2]

Abstract

The Ramadan War (2025–2026) marked Iran's first large-scale direct confrontation with simultaneous military-economic threats. This research aims to evaluate the institutional agency of the Iranian state across three key domains—defense self-sufficiency, alternative financial systems, and regional economic diplomacy—during the Ramadan War. Employing a qualitative approach and a case study methodology, the study draws on official documents, reputable international news reports, and analyses from research centers, examined through directed content analysis. Findings indicate that during the Ramadan War, Iran's missile and drone capabilities demonstrated effective institutional performance in the defense sector; however, cyber vulnerabilities and the inefficacy of passive defense were exposed. The alternative financial system achieved relative success by reducing the dollar's share to 45 percent, but its dependence on digital infrastructure compromised its efficiency during cyber-attacks. The dual naval blockade revealed the strategic vulnerability of Iran's reliance on southern ports, leading to an 84 percent decline in oil revenues. In the diplomatic arena, membership in the Shanghai Cooperation Organization and BRICS prevented complete international isolation. The Ramadan War transformed the concept of resilience from a "sanctions-oriented" model to a "war-oriented" paradigm, introducing new components including digital crisis management, social cohesion, and diversification of transit routes. The most critical strategic lesson is the imperative to restructure Iran's foreign trade geography and reduce dependence on the Strait of Hormuz and southern ports.

Keywords: Ramadan War, Hybrid Threats, Iran, State, Economy.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: A.karami@scu.ac.ir
2. Lecturer and Researcher, Department of Political Science, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Karami, A; Nejatpour, M (2026). Assessing the Institutional Agency of the Iranian State in Confronting Hybrid Threats: A Case Study of the Ramadan War (2025–2026). ***State Studies of Contemporary Iran***, 02(12), 89–110.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .

دولت پژوهی ایران معاصر

سنجش کنش‌گری نهادی دولت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی؛ مطالعه موردی جنگ رمضان (۱۴۰۴–۱۴۰۵)

افشین کرمی [۱*] | مجید نجاتپور [۲]

۰۲
دوره دوازدهم
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱
صص: ۱۱۰-۸۹

شاپا چاپی: ۱۹۱۴-۲۷۸۳
الکترونیکی: ۷۷۶۵-۳۰۹۲

چکیده

جنگ رمضان (۱۴۰۴–۱۴۰۵) نخستین مواجهه مستقیم ایران با تهدیدات نظامی–اقتصادی هم¬زمان بود. این پژوهش با هدف ارزیابی کنش نهادی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه حوزه خودکفایی دفاعی، نظام مالی جایگزین و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای در طول جنگ رمضان انجام شده است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی انجام شد. داده‌ها از اسناد رسمی، گزارش‌های خبری معتبر بین‌المللی و تحلیل‌های مراکز پژوهشی گردآوری و با تحلیل محتوای جهت‌دار بررسی گردیدند. یافته¬ها نشان می¬دهد در طول جنگ رمضان در حوزه دفاعی، توانمندی موشکی و پهپادی عملکرد نهادی مؤثر بوده، اما آسیب‌پذیری سایبری و ناکارآمدی پدافند غیرعامل آشکار است. نظام مالی جایگزین با کاهش سهم دلار به ۴۵ درصد موفقیت نسبی داشت، اما وابستگی به زیرساخت‌های دیجیتال در حملات سایبری کارایی آن را مختل ساخت. محاصره دریایی دوگانه، وابستگی به بنادر جنوبی را به عنوان نقطه‌ضعف راهبردی آشکار و درآمد نفتی را ۸۴ درصد کاهش داد. در حوزه دیپلماسی، عضویت در شانگهای و بریکس از انزوای کامل جلوگیری کرد. جنگ رمضان، مفهوم تاب‌آوری را از الگوی «تحریم‌محور» به «جنگ‌محور» متحول ساخت و مؤلفه‌های جدیدی شامل مدیریت دیجیتال بحران، انسجام اجتماعی و تنوع‌بخشی به مسیرهای ترانزیت را مطرح کرد. مهم‌ترین درس راهبردی این جنگ، ضرورت بازنگری در جغرافیای تجارت خارجی و کاهش وابستگی به تنگه هرمز و بنادر جنوبی است.

کلیدواژه‌ها: جنگ رمضان، تاب آوری ملی، تهدیدات ترکیبی، ایران، دولت، اقتصاد.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
Email: A.karami@scu.ac.ir
۲. مدرس و پژوهشگر، گروه علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

استناد: کرمی، افشین؛ نجاتپور، مجید (۱۴۰۵). سنجش کنش‌گری نهادی دولت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی؛ مطالعه موردی جنگ رمضان (۱۴۰۴–۱۴۰۵)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۰۲(۱۲)، ۱۱۰–۸۹.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

امنیت ملی متغیری است که تکوین و قوام‌یابی آن در کشورها تابع تحقق شرایط مختلفی است. تضمین ثبات و رشد پایدار اقتصادی یکی از اساسی‌ترین پایه‌های امنیت ملی در جهان امروز است. اما پیگیری این هدف ممکن است با برخی از ارزش‌های امنیتی دیگر مثل استقلال سیاسی در تعارض باشد. در چنین وضعیتی باید دست به انتخابی بهینه زد که آسیب‌های احتمالی را به حداقل برساند. تحریم‌های بین‌المللی پدیده‌هایی هستند که به نحوی تعارض فوق‌الذکر را نمایان می‌سازند. دستیابی به بازدارندگی نظامی، اگرچه یک ارزش امنیتی راهبردی برای دولت‌ها محسوب می‌شود، اما در عمل ممکن است این دولت‌ها را در معرض تحریم‌های اقتصادی قرار دهد که به نوبه خود، ثبات و رشد اقتصاد ملی را به مخاطره می‌اندازد. تحریم‌های قدرت‌های غربی علیه ایران نمونه جالبی از این وضع هستند. تحریم‌های بین‌المللی که می‌توان آن را جنگ اقتصادی هم نامید، اقداماتی هستند تنبیهی، اما بدون توسل به جنگ که توسط یک یا گروهی از دولت‌ها علیه یک یا گروهی از دولت‌های هدف اتخاذ می‌شوند. هدف از این اقدامات معمولاً ایجاد تغییر در برخی رفتارهای دولت‌های هدف اعلام می‌شود. تحریم اقدامی قهرآمیز است که اعمال آن می‌تواند نشانه ایجاد یا تشدید مخاصمه باشد، بدون اینکه به برخورد نظامی حتمی منجر گردد (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۱۴۱). با این حال، در سال‌های اخیر ماهیت تهدیدات فراروی کشورها دستخوش تحولی بنیادین شده است؛ تهدیدات دیگر صرفاً اقتصادی یا صرفاً نظامی نیستند، بلکه به شکل «تهدیدات ترکیبی» ظاهر می‌شوند که در آن ابزارهای نظامی، اقتصادی، سایبری و اطلاعاتی به طور هم‌زمان و هماهنگ به کار گرفته می‌شوند(Hoffman, 2007; Radin, 2017).

جنگ رمضان (۱۴۰۴) نمونه‌ای بارز از این نوع تهدیدات ترکیبی بود که در آن جمهوری اسلامی ایران با هجمه‌ای هماهنگ از حملات نظامی مستقیم، محاصره انرژی، جنگ سایبری و قطع کانال‌های مالی مواجه گردید. با این حال، این جنگ برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، به توقف آتش میان ایران و ایالات متحده انجامید. این وضعیت جدید ـ که می‌توان آن را «دوره پساجنگ و گذار به عادی‌سازی» نامید ـ پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی تحلیلگران قرار می‌دهد:

ظرفیت اقتصاد ایران در طول جنگ رمضان تا چه اندازه کارآمد بود؟ تجربیات این جنگ چه درس‌هایی برای تحول مفهوم تاب‌آوری ملی در مواجهه با تهدیدات ترکیبی آینده دارد؟

مطالعه دیدگاه‌های دولت‌مردان اثرگذار در سیاست خارجی و داخلی هر کشوری یکی از عوامل ضروری شناخت عملکرد دولت‌ها است. بررسی عملکرد دولت‌ها در حوزه‌های مختلف جهت آسیب‌شناسی و نیز تقویت نقاط ضعف و تبیین نقاط قوت دولت ضرورت دارد (گوهری‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۴). اما آنچه در این پژوهش مدنظر است، بررسی عملکرد «دولت به مثابه نهاد» است، نه عملکرد رؤسای دولت‌ها به عنوان افراد خاص. رویکرد نهادی به دولت، بر تداوم ساختارها، قواعد، رویه‌ها و انباشت تجربی در طول زمان تأکید دارد؛ فارغ از اینکه در یک مقطع خاص چه شخص یا جناحی بر مسند قدرت قرار داشته باشد (Skocpol, 1985; North, 1990). از این منظر، «دولت» در ایران دارای یک کارنامه مستمر از مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدات خارجی است که از دهه شصت تا کنون انباشته شده است. پرسش این است که این پیشینه ـ که شامل سیاست‌هایی چون اقتصاد مقاومتی، بومی‌سازی فناوری‌های دفاعی، غیردلاری‌سازی و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری است ـ در شرایط جنگ رمضان چه عملکردی از خود نشان داد؟

مبانی نظری پژوهش

پیامدهای امنیتی تهدیدات ترکیبی (از تحریم تا جنگ هماهنگ)

تحریم‌ها اشکال مختلفی دارند. در شرایط عادی دولت‌ها معمولاً به‌منظور تغییر رفتار رقبا یا دشمنان خویش از تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. با توجه به نقش اساسی شاخص‌های اقتصادی در رفاه ملی، تحریم اقتصادی می‌تواند آثار مخرب ملموسی در اقتصاد ملی به بار آورده و حتی ثبات سیاسی را تحت‌تأثیر قرار دهد. از این رو، تحریم اقتصاد می‌تواند انگیزه دولت هدف را برای تأمین خواسته دولت تحریم‌گر تحریک کند. در تعاریف تحریم اقتصادی آمده است که «اقدامی است به‌منظور تغییر رفتار دولت هدف». این چیزی است که دولت‌های تحریم‌کننده در سیاست‌های اعلانی خویش بر آن تأکید می‌کنند. اما نباید از این نکته غافل شد که محدود کردن

تحریم به این هدف ممکن است گمراه‌کننده باشد. این احتمال وجود دارد که انگیزه واقعی تحریم‌کننده از تغییر رفتار فراتر رفته و عملاً به نوعی مقدمه‌چینی برای تغییر رژیم تبدیل شود. در هر صورت، تحریم یک منطق سیاسی دارد که در ساده‌ترین عبارت می‌توان آن را استفاده از رنج اقتصادی در ازای منفعت سیاسی بیان کرد (Elliott, 2005:3).

اما آنچه تجربه جنگ رمضان را از تحریم‌های پیشین متمایز می‌سازد، گذر از «تحریمِ صرف» به «تهدیدات ترکیبی» است. در تهدیدات ترکیبی، ابزارهای نظامی، اقتصادی، سایبری و اطلاعاتی به طور هماهنگ و هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند تا کشور هدف را به صورت چندبعدی تحت فشار قرار دهند(Hoffman, 2007; Radin, 2017). تحریم‌های اقتصادی از دو وجه بر تصمیم کشور هدف تأثیر می‌گذارند: خساراتی که مستقیماً به آن وارد می‌کنند و تهدیدات صریح یا ضمنی که به موازات آن خساراتی متوجه کشور هدف می‌کنند. نقش تهدیدات ولو ضمنی در به تمکین واداشتن کشور مخاطب بسیار مهم است. بنابراین دولت‌هایی که در اعمال تحریم از نقش تهدیدکنندگی آن غافل می‌شوند، شانس موفقیت کمتری دارند. تهدید جدی با آسیب تحریمی کمتر نسبت به تهدید صوری با آسیب تحریمی بیشتر کارایی بهتری دارد. در این راستا اگر تحریم‌کننده بتواند بسیج بین‌المللی قدرت‌مندتری ایجاد کند شانس بالاتری برای موفقیت دارد(Lacy and Niou, 2004:26). در جنگ رمضان، این بسیج بین‌المللی با مشارکت مستقیم نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به حداکثر خود رسید.

تحریم‌های اقتصادی به لحاظ نظری بر این اصل متکی هستند که اصل راهنمای رفتار دولت‌ها منافع ملی آنهاست و این منافع قابل محاسبه هستند. یعنی دولت‌ها بر اساس محاسبات عقلانی دست به انتخاب می‌زنند. آنها از میان گزینه‌های گوناگون به انتخاب گزینه‌ای روی می‌آورند که بیشترین منفعت را برایشان به‌دنبال داشته باشد. در عین حال، تحریم بر این مفروضه متکی است که منافع ملی و دولت‌ها درهم‌تنیده شده و دولت‌ها را به همدیگر وابسته کرده است. آنچه در تحریم اقتصادی اهمیت کلیدی دارد، آثار بازدارنده آن است. بر این اساس، معمولاً تحریم‌ها شکل پلکانی دارند، به این معنی که در صورت عدم تأثیرگذاری تشدید می‌شوند. با تشدید تحریم، زیان‌های رفتار منع‌شده افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود بالاخره در نقطه‌ای اثرگذار باشد (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۹۶). اما در تهدیدات ترکیبی، این منطق پلکانی جای خود را به «شوک هم‌زمان چندبعدی»

می‌دهد؛ به عبارت دیگر، کشور هدف در کوتاه‌ترین زمان ممکن با حداکثر فشار ممکن مواجه می‌شود.

با نگاه کلی به تحریم‌هایی که از سوی آمریکا و اروپا در سال‌های بین ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ برقرار شد، می‌توان دریافت که بنیان‌های استراتژیک اقتصاد ملی ایران شامل بخش انرژی و ارتباطات بانکی و تجاری فراملی هدف اصلی تحریم‌ها قرار داشته‌اند. علاوه بر آثار مثبت تحریم‌ها بر روی افزایش تاب آوری ملی و ایجاد خودکفایی اقتصادی اما آثار منفی رکود تورمی و برخی فساد اقتصادی (قنبرلو، ۱۳۹۷ :۱۵۴) توسط تراستی‌ها و شرکت‌های واردات و صادرات را دربرداشت. با این حال، جنگ رمضان آثار متفاوت و گسترده‌تری بر جای گذاشت که در بخش یافته‌ها به تفصیل به آنها پرداخته خواهد شد.

مفهوم تاب‌آوری ملی و تحول آن در پرتو جنگ رمضان

تاب‌آوری ملی در ادبیات کلاسیک، «توانایی یک نظام اقتصادی ـ سیاسی در جذب شوک‌های خارجی، بازیابی کارکردهای کلان و بازآرایی ساختارها با حداقل وابستگی به منابع خارجی» تعریف شده است(Briguglio, 2018; Rose, 2009). در این تعریف، تأکید بر پایداری و بازیابی است. شاخص‌های اصلی تاب‌آوری در این رویکرد عبارتند از: تنوع‌بخشی اقتصادی، استقلال مالی، سرمایه اجتماعی و کارایی نهادی(Briguglio et al., 2018). پژوهش های مربوط به اقتصاد مقاومتی ایران عمدتاً در چارچوب همین تعریف کلاسیک از تاب‌آوری حرکت کرده‌اند. اقتصاد مقاومتی در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به عنوان یک راهبرد جامع و پویا شکل گرفت که در آن تقویت پایه‌های داخلی و توسعه همکاری‌های خارجی به صورت هماهنگ و مکمل یکدیگر عمل می‌کردند. این مدل یکپارچه از سه حلقه به هم پیوسته تشکیل شده است: در سطح اول، سیاست‌های خودکفایی هوشمند با تمرکز بر توسعه فناوری‌های بومی در صنایع راهبردی، پایه‌های لازم برای کاهش وابستگی را فراهم می‌سازد. به موازات این تلاش‌های داخلی، دیپلماسی فعال منطقه‌ای با اولویت‌دهی به همکاری با کشورهای همسایه، شبکه‌ای از روابط اقتصادی امن و پایدار ایجاد کرد که مهم‌ترین نمود آن در افزایش مبادلات تجاری با عراق، ترکیه و کشورهای اوراسیا قابل مشاهده است (موسوی‌شفاهی، ۱۳۸۸:

۷۶). اما تجربه جنگ رمضان نشان داد که این تعریف کلاسیک از تاب‌آوری برای مواجهه با تهدیدات ترکیبی کافی نیست. جنگ رمضان دارای سه ویژگی است که تعریف سنتی تاب‌آوری را ناکافی می‌سازد. نخست، شدت و سرعت شوک: در جنگ رمضان، شوک‌ها ظرف روزها و هفته‌ها وارد شدند، نه سال‌ها. این بدان معناست که «زمان بازیابی» به شدت کاهش می‌یابد و نظام اقتصادی فرصت چندانی برای سازگاری تدریجی ندارد(Boin & van Eeten, 2013). دوم، هم‌زمانی حوزه‌های تهدید: حوزه‌های نظامی، سایبری، مالی، انرژی و اجتماعی به طور هم‌زمان هدف قرار گرفتند. این هم‌زمانی، «اثر هم‌افزایی» دارد؛ به این معنا که کل آسیب وارد شده بیش از مجموع آسیب‌های تک‌تک حوزه‌هاست(Collier,2017). سوم، قطع احتمالی کانال‌های ارتباطی: برخلاف تحریم، در جنگ رمضان دسترسی به اینترنت و سامانه‌های بانکی به طور موقت با اختلال مواجه شد. این مسئله نیاز به طراحی «اقتصاد آفلاین» یا «سیستم‌های اضطراری غیرمتصل» را آشکار می‌سازد. با توجه به پایان یافتن جنگ رمضان و حصول آتش‌بس میان ایران و آمریکا، اکنون فرصت مناسبی برای ارزیابی این مسئله فراهم شده است که آیا فعالیت‌های دولت ایران در حوزه تاب‌آوری توانسته است با موفقیت از این جنگ ترکیبی عبور کند یا خیر.

سنجش رویکرد نهادی دولت در مواجهه با بحران

در این پژوهش، دولت نه به عنوان یک «دولت خاص»، بلکه به عنوان یک نهاد مستمر و فراقوه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. از منظر نظریه نهادی، «دولت» مجموعه‌ای از ساختارها، قواعد، رویه‌ها و انباشت تجربی است که در طول زمان تداوم می‌یابد؛ فارغ از اینکه در یک مقطع خاص چه شخص یا جناحی بر مسند قدرت قرار داشته باشد(Skocpol, 1985; North, 1990). مزیت این رویکرد در مطالعه تاب‌آوری ایران در برابر تهدیدات خارجی آن است که بسیاری از سیاست‌های کلیدی ـ مانند بومی‌سازی صنایع دفاعی، توسعه نظام مالی جایگزین، و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری ـ در طول چندین دولت متوالی ادامه یافته و تکمیل شده‌اند. به عبارت دیگر، «کارنامه دولت ایران» حاصل انباشت تجربیات از دهه شصت تا کنون است و نمی‌توان آن را به یک دولت خاص نسبت داد. این رویکرد نهادی به ما اجازه می‌دهد تا به پرسش اصلی این پژوهش پاسخ دهیم: سوابق دولت ایران در سه حوزه خودکفایی دفاعی، نظام مالی جایگزین و دیپلماسی

اقتصادی منطقه‌ای ـ که حاصل تلاش دولت‌های متعدد در طول چهار دهه است ـ در طول جنگ رمضان چه عملکردی از خود نشان داد؟

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در دولت‌های مختلف به عنوان یک راهبرد جامع و پویا شکل گرفت که در آن تقویت پایه‌های داخلی و توسعه همکاری‌های خارجی به صورت هماهنگ و مکمل یکدیگر عمل می‌کردند. در سطح کلان‌تر، راهبرد «نگاه به شرق» با محوریت همکاری با چین و روسیه و عضویت در سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس، امکان دسترسی به بازارهای جدید و فناوری‌های پیشرفته را فراهم آورد (ذراتی، ۱۴۰۲ :۴۷؛ راه‌نجات، ۱۴۰۳: ۱۲۴). کریدورهای ترانزیتی بین‌المللی مانند مسیر شمال ـ جنوب، نمونه بارز این تعامل راهبردی هستند که در آن توانمندی‌های جغرافیایی ایران با نیازهای تجاری شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند خورده است. این پروژه‌ها نه تنها درآمدهای ارزی جدیدی ایجاد کرده‌اند، بلکه با کاهش هزینه‌های تجاری، رقابت‌پذیری تولیدات داخلی را افزایش داده‌اند. در این چارچوب یکپارچه، حتی تحریم‌های امنیتی نیز به عاملی برای تقویت همکاری‌های فناورانه با کشورهای غیرغربی تبدیل شده‌اند، به طوری که محدودیت در دسترسی به برخی فناوری‌های غربی، انگیزه‌ای برای توسعه مشترک فناوری‌های جایگزین با شرکای شرقی ایجاد کرده است (رستمی، ۱۴۰۳: ۹۷). در راهبردهای دولت ایران، اقتصاد مقاومتی حول سه محور اصلی سازماندهی شده است: (الف) خودکفایی در صنایع دفاعی و امنیتی، (ب) کاهش وابستگی به سیستم مالی بین‌المللی، و (ج) افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی غیرغربی. در ادامه، عملکرد دولت ایران در هر یک از این سه محور در طول جنگ رمضان مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

پیشینهٔ پژوهش

در ارتباط با فعالیت‌ها و عملکرد دولت‌های مختلف در قبال تحریم‌ها و اقتصاد مقاومتی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است. افتخاری و رمضانی (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا به‌دنبال اقدام نظامی مستقیم با ایران نیست بلکه مواردی مانند تداوم تحریم

اقتصادی، امنیتی کردن موضوع ایران، کاهش مشروعیت داخلی و ... از سناریوها و راهبردهای محتمل آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. نوری (۱۳۹۹) نشان داده است که درک سیاستگذاران آمریکایی از کارآمدی تحریم‌های مالی منجر به ارتقای این ابزار در میان ابزارهای سیاست خارجی و تبدیل خزانه‌داری از نهادی حاشیه‌ای به نهادی مرکزی در هدایت سیاست خارجی و امنیتی ایالات‌متحده شده است. حسینی (۱۴۰۱) موانع تحقق سیاست همسایگی و نگاه آسیایی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فعال شدن تقابل آمریکا با ایران، همراهی اروپا با آمریکا در مذاکرات برجام، حلول ساختار دوقطبی جنگ‌سردی به خاورمیانه، افزایش بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و تهدیدهای امنیتی، کاهش اعتماد عمومی و بحران‌های فزاینده اقتصادی مهمترین عواملی است که موجب افزایش بی‌سابقه الزامات ساختاری و کاهش آزادی عمل در سیاست خارجی دولت‌ها شده است. منیری و اطهری (۱۴۰۳) بر نقش استعاره‌های مفهومی در گفتمان سیاست خارجی تأکید کرده‌اند. احمدی‌نژاد و سیمبر (۱۴۰۳) الگوی تصمیم‌گیری هسته‌ای را بر پایه گفتمان پسااستعمارگرایی تحلیل کرده‌اند. آجرلو (۱۴۰۱) ظرفیت‌های سیاست همسایگی را در کاهش چالش‌های امنیتی بررسی نموده است.

با وجود این پژوهش‌ها و اینکه جنگ رمضان به وضعیت توقف آتش رسیده است(خرداد ۱۴۰۵)، پژوهش‌های خاصی در این زمینه هنوز صورت نگرفته است. از طرف دیگر، نخست، اکثر پژوهش‌های پیشین بر تحریم‌های اقتصادی (نه تهدیدات نظامی ـ اقتصادی هم‌زمان) متمرکز بوده‌اند. دوم، رویکرد غالب در این پژوهش‌ها ارزیابی عملکرد دولت‌های خاص بوده است نه ارزیابی راهبردهای نهادی دولت در طول زمان. سوم، تاکنون پژوهشی که به طور مشخص به ارزیابی عملکرد دولت‌های ایران در مواجهه با سناریوهای جنگ ترکیبی (با تأکید بر درس‌های جنگ رمضان) پرداخته باشد، انجام نشده است. پژوهش حاضر درصدد پر کردن همین خلأ است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش مطالعه موردی تاریخی ـ تحلیلی انجام شده است. رویکرد کیفی به این دلیل انتخاب گردیده که پدیده مورد مطالعه (مواجهه ایران با تهدیدات ترکیبی در جنگ رمضان) پدیده‌ای پیچیده، چندلایه و وابسته به بستر تاریخی ـ سیاسی خاص خود

است که با روش‌های کمّی صرف قابل‌فهم و ارزیابی نمی‌باشد. مطالعه موردی تاریخی ـ تحلیلی نیز به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با تمرکز بر «مورد» مشخص جنگ رمضان، به کندوکاو عمیق در کنش‌های نهادی دولت ایران بپردازد و از خلال تحلیل این مورد خاص، به استنتاج‌های نظری درباره تحول مفهوم تاب‌آوری ملی دست یابد. جامعه مورد مطالعه، کنش‌های نهادی دولت ایران در سه حوزه کلیدی خودکفایی دفاعی، نظام مالی جایگزین و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای در بازه زمانی جنگ ۴۰ روزه رمضان است. داده‌های این پژوهش با استفاده از سه دسته منبع معتبر گردآوری شده‌اند: (۱) اسناد رسمی دولتی شامل اطلاعیه‌های قرارگاه‌های نظامی (مانند قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا)، گزارش‌های سازمان اورژانس کشور و هلال‌احمر، و بیانیه‌های وزارت امور خارجه؛ (۲) گزارش‌های خبری معتبر بین‌المللی شامل شبکه‌هایی نظیر الجزیره، بی‌بی‌سی، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، و رویترز؛ و (۳) تحلیل‌های مراکز پژوهشی معتبر بین‌المللی. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای جهت‌دار انجام شده است که در آن، مفاهیم کلیدی برگرفته از چارچوب نظری (رویکرد نهادی به دولت و مفهوم تاب‌آوری ملی) به عنوان راهنمای اولیه کدگذاری و تحلیل به کار رفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، راهبردهای دولت ایران در سه حوزه کلیدی (خودکفایی دفاعی و امنیتی، نظام مالی جایگزین، و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای) در طول جنگ رمضان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

خودکفایی دفاعی و امنیتی

یکی از اهداف اصلی تحریم‌های امنیتی و سپس جنگ رمضان، محدود کردن دسترسی ایران به فناوری‌های پیشرفته نظامی و امنیتی بوده است. با این حال، راهبردهای دولت ایران در چند دهه گذشته ـ که با تقویت پژوهش‌های بومی و توسعه داخلی صنایع دفاعی همراه بوده است ـ باعث کاهش چشمگیر وابستگی به واردات گردید. نمونه‌های بارز این موفقیت، پیشرفت‌های ایران در حوزه پهپادها، موشک‌های بالستیک و سامانه‌های پدافندی است (رضایی، ۱۴۰۰: ۲۴؛ سلیمانی، ۱۴۰۱: ۲۹).

در طول جنگ رمضان، دستاوردهای خودکفایی دفاعی ایران به شکل محسوسی توانست هزینه تجاوز را برای دشمن افزایش دهد. این جنگ که از روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ با حملات هماهنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی بر مردم ایران تحمیل شد، با پاسخ گسترده موشکی و پهپادی ایران همراه بود. سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده است که در هفته نخست جنگ، حدود ۶۰۰ عملیات موشکی شامل انواع موشک‌های بالستیک و کروز با سوخت جامد و مایع انجام شده و همچنین حدود ۲۶۰۰ عملیات پهپادی صورت گرفته است (سخنگوی سپاه، ۱۴۰۴). خانواده موشک‌های بالستیک «قدر» که در عملیات‌های «وعده صادق ۴» نقش کلیدی ایفا کردند، دارای سه ویژگی مهلک بودند: کلاهک‌های مانورپذیر در خارج از جو که رهگیری را برای سامانه‌های پدافندی غیرممکن می‌سازد، کلاهک‌های خوشه‌ای با قابلیت ایجاد ۱۷ تا ۲۰ انفجار مجزا در یک شلیک، و قابلیت تولید انبوه که امکان اشباع سامانه‌های دفاعی دشمن را فراهم می‌آورد (سخنگوی سپاه، ۱۴۰۴). موشک‌های قدر در همه امواج عملیاتی «وعده صادق ۱ تا ۴» حضور داشتند و به گفته فرماندهان عملیات، اگر این موشک‌ها نبودند، ادامه آتش‌آفندی ممکن نبود (سخنگوی سپاه، ۱۴۰۴).

ایران همچنین اهداف مهمی از جمله پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه را هدف قرار داد. بر اساس اعلام سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص)، در تداوم حملات به پایگاه‌های آمریکایی، بیش از ۲۰۰ نقطه شامل تأسیسات، اهداف و منافع آمریکا مورد هدف قرار گرفته است (سخنگوی سپاه، ۱۴۰۴). موج پنجاه‌وهفتم عملیات وعده‌صادق ۴، علیه اهدافی در قلب سرزمین‌های اشغالی، شامل زیرساخت‌های ارتباط فرماندهی و کنترل و دفاع موشکی، با سامانه‌های دقیق خیبرشکن، عماد، و قدر انجام شد (اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، ۱۴۰۴). همچنین پایگاه العدید محل استقرار نیروهای آمریکایی با موشک نقطه‌زن میان‌برد دوالفقار و پهپادهای هوشمند، با موفقیت مورد تهاجم قرار گرفت (اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، ۱۴۰۴). نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در یک عملیات ترکیبی موشکی و پهپادی، تعدادی از آشیانه‌های جنگنده‌های آمریکایی در پایگاه هوایی «شیخ عیسی» و «الظفره» را با موشک‌های کروز منهدم کرد (اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، ۱۴۰۴). به دنبال این حملات، توان عملیاتی پایگاه آمریکایی الظفره در امارات به‌شدت کاهش یافت (اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، ۱۴۰۴).

با این حال، جنگ آسیب‌پذیری‌های جدیدی را نیز آشکار ساخت. حملات سایبری هماهنگ در ساعات اولیه جنگ، حملات دشمن به مناطق مسکونی در تهران و سایر شهرها، (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۴)، منجر به خسارت‌هایی به تأسیسات غیرنظامی شد. رئیس سازمان اورژانس کشور گزارش داده است که ۲۶ نفر از کادر سلامت به شهادت رسیدند و ۴۱ بیمارستان آسیب دیده است (میعادفر، ۱۴۰۵). همچنین حدود ۴۴۹ واحد بهداشتی، درمانی، بیمارستانی و فوریت‌های پزشکی آسیب دیدند و ۵۶ پایگاه اورژانس تخریب شد (میعادفر، ۱۴۰۵). بر اساس گزارش سایر منابع، ۲۴ تن از مدافعان سلامت به شهادت رسیده و بیش از ۳۳۰ واحد حوزه سلامت مورد آسیب قرار گرفته است (رئیس سازمان اورژانس کشور، ۱۴۰۵). این مسائل نشان می‌دهد که کارنامه دولت ایران در حوزه خودکفایی دفاعی اگرچه در بخش موشکی و پهپادی موفق بوده است، اما در حوزه «امنیت سایبری زیرساخت‌های غیرنظامی»، «حفاظت از تأسیسات کلیدی در برابر حملات نظامی پیشرفته»، و «پدافند غیرعامل در برابر حملات هوایی گسترده» همچنان نیازمند تقویت اساسی است.

نظام مالی جایگزین

تحریم‌های بانکی و محدودیت‌های مالی از جمله ابزارهای فشار علیه ایران در دهه‌های اخیر بوده است. راهبردهای دولت ایران در این حوزه شامل توسعه مکانیسم‌های مبادلات مالی غیردلاری (مانند استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه) و تقویت نظام پرداخت‌های ملی (مثل سامانه سپام) می‌شود (آجرلو، ۱۴۰۱ :۱۹). در جنگ رمضان، این دستاوردها در معرض آزمونی سخت قرار گرفتند. بر اساس تحلیل‌های منتشر شده، سامانه سپام که به عنوان جایگزین داخلی سوئیفت طراحی شده بود، در شرایط عادی بیش از ۸۵ درصد مبادلات بانکی داخلی را پوشش می‌داد. با این حال، در روزهای ابتدایی جنگ رمضان و همزمان با حملات سایبری هماهنگ، این سامانه نیز دچار اختلالاتی گردید. توافقات پولی دوجانبه با کشورهایی مانند روسیه، چین، ترکیه و هند تا پیش از جنگ توانسته بود سهم دلار در مبادلات خارجی ایران را از ۸۵ درصد به حدود ۴۵ درصد کاهش دهد. اما در شرایط حملات سایبری گسترده و اختلال در زیرساخت‌های دیجیتال، بسیاری از این توافقات با مشکل مواجه شدند. پس از جنگ و تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا در خرداد

۱۴۰۵، فرصت تازه‌ای برای بازسازی و تقویت نظام مالی جایگزین فراهم می‌کند. با این حال، درس مهمی که جنگ رمضان برای دولت ایران به همراه داشت، ضرورت طراحی «نسخه آفلاین» یا «اضطراری» برای تمام سامانه‌های مالی حیاتی است؛ به گونه‌ای که در صورت حملات سایبری، تراکنش‌های اساسی (مانند تأمین کالاهای اساسی و مبادلات انرژی) متوقف نشود.

محاصره دریایی دوگانه و اقتصاد جنگ رمضان

یکی از ابعاد سرنوشت‌ساز جنگ رمضان، رقابت بر سر تنگه هرمز و اعمال محاصره دریایی از دو سوی درگیر بود. در این بخش، ابعاد اقتصادی و راهبردی این رویارویی دوگانه تحلیل می‌شود.

محاصره تنگه هرمز از سوی ایران

در روزهای آغازین جنگ رمضان، ایران با استقرار موانع دریایی، پهپادها و قایق‌های تندرو، کنترل خود بر این آبراه حیاتی را اعمال کرد(Foreign Affairs, 2026). پیش از جنگ، حدود ۲۰ درصد از تجارت جهانی از این تنگه عبور می‌کرد، اما در طول جنگ، ترانزیت با کاهش بیش از ۹۰ درصدی مواجه شد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، حدود ۲۰۰۰ کشتی تجاری و بیش از ۲۰۰۰۰ ملوان در داخل خلیج‌فارس گرفتار شدند(JNS, 2026).

محاصره دریایی آمریکا علیه ایران

پاسخ آمریکا به بستن تنگه هرمز، اعمال محاصره دریایی بود. در ۱۳ آوریل ۲۰۲۶ (۲۴ فروردین ۱۴۰۵) و درست یک روز پیش از انقضای آتش‌بس دو هفته‌ای، آمریکا محاصره دریایی بنادر ایران را اعلام کرد که به گفته مقامات جمهوری اسلامی، «اعلام جنگ» و «خیانت به دیپلماسی» تلقی شد(ABNA, 2026). ارتش تروریستی سنتکام (فرماندهی مرکزی آمریکا) با استقرار ناوگان خود در خلیج فارس و دریای عمان، مانع از خروج کشتی‌های ایرانی و ورود کشتی‌های خارجی به بنادر ایران شد. بر اساس گزارش پنتاگون، تا اوایل اردیبهشت ۱۴۰۵، این محاصره حدود ۴۵ کشتی تجاری را از تردد بازداشته و ۴/۸ میلیارد دلار به اقتصاد ایران خسارت وارد کرده بود(Anadolu Agency, 2026). تحلیلگران مؤسسه دفاع از دموکراسی‌ها تخمین زده‌اند که محاصره روزانه ۲۲۵ تا ۲۸۵ میلیون دلار از درآمد ایران می‌کاست(FDD, 2026). همچنین، بر اساس تحلیل الجزیره، درآمد

نفتی ایران در ماه می ۲۰۲۶ نسبت به ماه مارس با کاهش ۸۴ درصدی مواجه شد و از ۱/۶۵ میلیارد دلار در ماه به کمتر از ۸۳۷ میلیون دلار رسید (Jazeera, 2026 Al).

پیامدهای دوگانه محاصره بر اقتصاد ایران

این محاصر، بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشت. از یک سو، ایران با انباشت نفت صادرنشده در مخازن شناور مواجه شد و به گفته تحلیل‌گران شرکت کپلر، حدود ۱۴۷ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی در مخازن شناور ذخیره شد که ۶۷ میلیون بشکه از آن در داخل خلیج‌فارس و دریای عمان گرفتار شده بود(Al Jazeera, 2026). از سوی دیگر، بسته شدن تنگه هرمز و محاصره بنادر، زنجیره تأمین کالاهای اساسی را با اختلال مواجه ساخت. همچنین بر اساس گزارش نیویورک پست، ریال ایران در بازار آزاد از ۸۱۷۰۰۰ به ازای هر دلار در ابتدای ۲۰۲۵ به بیش از ۱/۵ میلیون ریال سقوط کرد و تورم به نزدیک ۶۹ درصد رسید(New York Post, 2026).

راهبردهای جایگزین ایران و پایان محاصره

در پاسخ به محاصره دریایی، ایران به راهبردهای جایگزین روی آورد. استفاده از مسیرهای زمینی از طریق پاکستان و ترکیه، افزایش ترانزیت از دریای خزر، و ارسال نفت از طریق خطوط ریلی به چین از جمله این اقدامات بود(RFE/RL, 2026; New York Post, 2026). در طول این محاصره، ایران به دنبال واردات حداقل ۵۰ درصد از کالاهای اساسی از طریق بنادر شمالی و مسیرهای زمینی بود(PressTV, 2026). با این حال، کارشناسان معتقدند که این مسیرهای جایگزین نمی‌توانند به طور کامل جایگزین تجارت دریایی از طریق تنگه هرمز شوند و تنها «نفس‌گیری اقتصادی» در شرایط فشار به شمار می‌روند(Middle East Eye, 2026). در نهایت، پس از مذاکرات و با حصول تفاهم‌نامه در خرداد ۱۴۰۵، آمریکا محاصره دریایی ایران را لغو و ایران نیز تنگه هرمز را برای تردد آزاد کشتی‌ها بازگشایی کرد(BBC, 2026; New York Times, 2026).

اما یکی از مهم‌ترین درس‌های ژئواکونومیک جنگ رمضان، آشکار شدن آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد ایران ناشی از تمرکز بیش‌ازحد بر بنادر جنوبی و وابستگی شدید به مسیرهای دریایی برای واردات و صادرات بود. حجم بالای تجارت خارجی ایران (بیش از ۹۰ درصد

واردات و صادرات کشور) از طریق آب‌های جنوبی (خلیج‌فارس و دریای عمان) عبور می‌کند و این وابستگی شدید به یک نقطه جغرافیایی مشخص (تنگه هرمز)، به یکی از نقاط آسیب‌پذیر جدی اقتصاد ایران تبدیل شده است. تجربه جنگ رمضان نشان داد که در شرایط بحران‌های نظامی ـ اقتصادی هم‌زمان، دشمن می‌تواند با اعمال محاصره دریایی، اقتصاد ایران را دچار آسیب پذیری کند. کاهش ۸۴ درصدی درآمدهای نفتی، انباشت ۱۴۷ میلیون بشکه نفت در مخازن شناور، و اختلال در تأمین کالاهای اساسی، همگی ناشی از همین نقطه ضعف راهبردی بود(Al Jazeera, 2026; Times of India, 2026).

این تجربه، ضرورت بازنگری اساسی در جغرافیای تجارت خارجی ایران را به عنوان یکی از اولویت‌های راهبردی تاب‌آوری ملی مطرح می‌سازد. نخست، توسعه متوازن بنادر شمالی (دریای خزر) و افزایش ظرفیت تخلیه و بارگیری آن‌ها از جمله اقدامات ضروری است تا در شرایط بحران، بخشی از تجارت کشور از طریق مسیرهای شمالی هدایت شود. دوم، تقویت کریدورهای زمینی و ریلی شرق ـ غرب (از جمله مسیر چین ـ قزاقستان ـ ترکمنستان ـ ایران ـ ترکیه) می‌تواند وابستگی به مسیرهای دریایی را کاهش دهد. این کریدورها هرچند از نظر هزینه نسبت به حمل‌ونقل دریایی رقابت‌پذیری کمتری دارند، اما در شرایط بحران، نقش حیاتی در تأمین امنیت زنجیره تأمین کالاهای اساسی ایفا خواهند کرد. سوم، تنوع‌بخشی به مبادی تأمین کالاهای اساسی و کاهش وابستگی به تأمین از طریق بنادر جنوبی، از جمله ضرورت‌های غیرقابل‌اجتناب است. در این راستا، انعقاد قراردادهای بلندمدت با کشورهای همسایه شمالی و شرقی برای تأمین کالاهای استراتژیک از طریق مسیرهای زمینی و ریلی، می‌تواند راهگشا باشد. چهارم، ایجاد ذخایر راهبردی کالاهای اساسی (غذا، دارو، سوخت و قطعات یدکی) به میزان حداقل ۶ ماه، می‌تواند فشار محاصره را در روزهای نخست بحران کاهش دهد. به‌طور خلاصه، جنگ رمضان نشان داد که تکیه صرف بر یک مسیر دریایی (هرچند اقتصادی و کوتاه‌تر)، در شرایط بحران‌های ژئوپلیتیک به یک «پاشنه آشیل» تبدیل می‌شود و اصلاح این آسیب‌پذیری ساختاری، یکی از مهم‌ترین درس‌های راهبردی این جنگ برای آینده است.

دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی غیرغربی

راهبردهای دولت ایران در حوزه دیپلماسی اقتصادی، شامل اولویت‌دهی به روابط با کشورهای همسایه و قدرت‌های شرقی (چین، روسیه و اعضای سازمان شانگهای و بریکس) است. در ۱۳ تیر ۱۴۰۲ ایران به عضویت رسمی سازمان شانگهای درآمد و در دی ۱۴۰۲ عضویت در بریکس نیز نهایی شد (راه‌نجات، ۱۴۰۳: ۱۲۴). قرارداد ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین نیز به مرحله اجرایی رسید (ذراتی، ۱۴۰۲: ۴۷). این دستاوردها را در طول جنگ رمضان به این صورت می‌توان مورد ارزیابی قرار داد: نخست آنکه عضویت در سازمان‌های بین‌المللی شرقی، هرچند نتوانست از وقوع جنگ جلوگیری کند، اما در کاهش انزوای دیپلماتیک ایران در طول جنگ مؤثر بود. روسیه و چین اگرچه مستقیماً در کنار ایران وارد جنگ نشدند، اما در شورای امنیت سازمان ملل از صدور قطعنامه‌های ضدایرانی جلوگیری کردند. همچنین، کریدورهای ترانزیتی بین‌المللی مانند مسیر شمال ـ جنوب، در طول جنگ رمضان به عنوان مسیرهای جایگزین برای تأمین کالاهای اساسی مورد استفاده قرار گرفتند و تا حدودی توانستند اثرات محاصره دریایی را کاهش دهند. با این حال، جنگ رمضان محدودیت‌های این رویکرد را نیز آشکار ساخت. سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای باید زیرساخت ها و ابزارهای عملیاتی برای تقویت و گسترش همکاری های درون سازمانی ایجاد کند. توسعه ابزارها و کانال های مالی مستقل، تقویت زیرساختهای ریلی و مسیرهای ترانزیتی، بازارهای مالی مشترک، تشکیل تیم‌های عملیاتی جهت مقابله با تروریسم و حمایت از کشورهای مورد تهاجم قرار گرفته در جنگ با تروریسم جز این الزامات راهبردی و بلندمدت است.

تحول مفهوم تاب‌آوری ملی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جنگ رمضان نسبت به تهدیدهای پیشین، الزامات و نقاط ضعف و قوت جدیدی را در ارتباط با مفهوم تاب‌آوری ملی مطرح می‌کند که در ادامه به برخی از ابعاد آن پرداخته می‌شود.

گذار از تاب‌آوری تحریم‌محور به تاب‌آوری جنگ‌محور

در ادبیات کلاسیک، تاب‌آوری ملی به عنوان «توانایی یک نظام اقتصادی ـ سیاسی در جذب شوک‌های خارجی، بازیابی کارکردهای کلان و بازآرایی ساختارها با حداقل وابستگی به منابع خارجی» تعریف می‌شود(Briguglio et al., 2018; Rose, 2009). اقتصاد مقاومتی ایران عمدتاً در چارچوب همین تعریف و برای مواجهه با تحریم‌های اقتصادی طراحی شده بود. با این حال، جنگ رمضان ویژگی‌هایی داشت که این تعریف را ناکافی ساخت. وضعیت موجود نشان می‌دهد که جنگ رمضان منجر به «دگرگونی در ساختار امنیتی ایران» شد و ایران وارد مرحله‌ای از «فشار راهبردی» گردید که در آن توانایی‌های نظامی و اقتصادی به طور همزمان تحت فشار قرار گرفت. در طول این جنگ ۴۰ روزه، ترکیب حملات نظامی و سایبری هماهنگ، الگوهای سنتی بازدارندگی را به چالش کشید و همین امر لزوم بازتعریف تاب‌آوری را ضروری می‌سازد.

بازتعریف تاب‌آوری از تدافعی به جنگ‌محور

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان تمایز میان دو الگوی تاب‌آوری را به صورت زیر صورتبندی کرد:

جدول۱. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تطبیقی الگوهای تاب‌آوری ملی در دو دوره پیشاجنگ و جنگ رمضان

الگوی تاب‌آوری	هدف اصلی	ابزارهای غالب	بازه زمانی	نمونه
تاب‌آوری تدافعی (دوره تحریم)	کاهش آسیب‌پذیری، بقا	جایگزینی واردات، غیردلاری‌سازی، تنوع‌بخشی شرکای تجاری	بلندمدت (سال‌ها)	سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیش از جنگ
تاب‌آوری جنگ‌محور (جنگ رمضان)	بقا + بازدارندگی + انسجام اجتماعی	اقتصاد آفلاین، مدیریت دیجیتال بحران، انسجام ملی، بهره‌برداری راهبردی از فرصت‌ها	کوتاه‌مدت (روزها و هفته‌ها)	عملکرد ایران در جنگ رمضان

یافته‌ها نشان می‌دهند که در جریان جنگ رمضان، مؤلفه‌های جدیدی به مفهوم تاب‌آوری اضافه شد. نخست، تاب‌آوری مدیریت دیجیتال بحران: ایران با استفاده از سامانه‌های دیجیتال

موجود توانست زنجیره تأمین کالاهای اساسی را بدون اختلال عمده مدیریت کند. این سامانه‌ها که پیش از جنگ برای هدفمندسازی یارانه‌ها طراحی شده بودند، در شرایط جنگی به ابزاری کلیدی برای جلوگیری از کمبود کالا و کنترل قیمت‌ها تبدیل شدند. دوم، تاب‌آوری مبتنی بر انسجام اجتماعی: در طول این جنگ مردم ایران در برابر تجاوز متحد ایستادند و دولت با تفویض اختیار به استانداران و فعال‌سازی کارگروه‌های بحران (اقتصاد، زیرساخت، امنیت و ارتباطات عمومی) توانست بحران را به‌طرز قابل‌قبولی مدیریت کند. رویدادهای موجود در طول این جنگ نشان داد که تهدید خارجی منجر به «تحریک آگاهی جمعی» و ایجاد همبستگی فراجناحی در جامعه ایران شد. همکاری گسترده مردم با نهادهای امنیتی منجر به شناسایی و دستگیری شمار قابل توجهی از نفوذی‌ها گردید.

آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی در دوران جنگ رمضان

علیرغم دستاوردهای اقتصاد مقاومتی، جنگ رمضان کاستی‌های ساختاری زیر را آشکار ساخت:

۱. آسیب‌پذیری سایبری زیرساخت‌های غیرنظامی: حملات سایبری هماهنگ در ساعات اولیه جنگ، سامانه‌های پدافند هوایی ایران را به طور موقت با اختلال مواجه ساخت. این ضعف نشان می‌دهد که تاب‌آوری در جنگ ترکیبی نیازمند «اقتصاد آفلاین» و «سیستم‌های اضطراری غیرمتصل» است.

۲. وابستگی به زیرساخت‌های دیجیتال متصل به اینترنت: سامانه‌های مالی جایگزین مانند سپام، در شرایط حملات سایبری، کارایی خود را تا حد زیادی از دست دادند.

۳. ناهماهنگی نهادی در روزهای اول جنگ: علیرغم فعال‌سازی کارگروه‌های بحران، هماهنگی بین نهادهای مختلف در ساعات اولیه جنگ با تأخیر مواجه بود.

۴. محدودیت‌های اقتصادی ساختاری: اقتصاد مقاومتی که برای مقاومت در برابر شوک‌های خارجی طراحی شده بود، در دوران جنگ با آسیب‌پذیری‌های ساختاری مانند سرمایه‌گذاری ناچیز در زیرساخت‌ها و ناکارآمدی برخی نهادها مواجه شد.

بازنگری در مفهوم تاب‌آوری در دوران پساجنگ

بر اساس یافته‌های پژوهش، پس از جنگ رمضان سه جهت‌گیری اصلی در اندیشه راهبردی ایران قابل شناسایی است:

۱. بازگشت به دیپلماسی متوازن: فارغ از تکیه صرف بر شرق، ایران به سمت یک «استراتژی پوشش ریسک» حرکت می‌کند که در آن همکاری با شرق و مذاکره با غرب به طور هم‌زمان دنبال می‌شود.

۲. بازتعریف بازدارندگی: با تحت‌فشار قرار گرفتن جبهه مقاومت، تأکید بر بازدارندگی مستقیم مبتنی بر توانمندی‌های موشکی، پهپادی و سایبری افزایش یافته است.

۳. تاب‌آوری مبتنی بر سرمایه اجتماعی: تجربه جنگ نشان داد که مؤلفه‌ای به نام «انسجام اجتماعی» به همان اندازه توانمندی‌های سخت‌افزاری در تاب‌آوری نقش دارد. با این حال، فشار اقتصادی و محاصره دریایی در طول این جنگ نشان داد که انرژی عمومی ممکن است از این گذرگاه در معرض تحلیل قرار بگیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جنگ رمضان نخستین مواجهه مستقیم ایران با تهدیدات نظامی ـ اقتصادی هم‌زمان در مقیاس وسیع بود که با حملات هماهنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد و با آتش‌بس در سال ۱۴۰۵ به پایان رسید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که راهبردهای دولت ایران در سه حوزه خودکفایی دفاعی، نظام مالی جایگزین و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای دارای نقاط قوت و ضعف قابل توجهی بوده است. در حوزه خودکفایی دفاعی، توانمندی موشکی و پهپادی ایران با پرتاب تعداد زیادی موشک بالستیک و پهپاد و اصابت به اهداف حساسی در منطقه، توانست پاسخ متقارنی به حملات دشمن بدهد. در حوزه نظام مالی جایگزین، کاهش سهم دلار از ۸۵ درصد به ۴۵ درصد و ایجاد سامانه‌های مختلف موفقیت نسبی داشت، اما وابستگی به زیرساخت‌های دیجیتال و آسیب‌پذیری در برابر حملات سایبری هماهنگ، کارایی این سامانه‌ها را در روزهای ابتدایی جنگ با اختلال مواجه ساخت. در حوزه دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، عضویت در شانگهای و

بریکس و همکاری با چین و روسیه از انزوای کامل ایران جلوگیری کرد. یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ که در این پژوهش به آن پرداخته شد، محاصره دریایی دوگانه بود که از یک سو ایران با بستن تنگه هرمز، صادرات نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را مختل کرد و از سوی دیگر آمریکا با اعمال محاصره کامل دریایی، مانع از ورود و خروج کشتی‌های تجاری به بنادر ایران شد. این محاصره دوگانه، وابستگی شدید ایران به بنادر جنوبی و عبور از تنگه هرمز را به عنوان یک «نقطه ضعف» راهبردی آشکار ساخت و نشان داد که تمرکز بیش از ۹۰ درصد تجارت دریایی ایران از طریق خلیج‌فارس و دریای عمان، یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط اقتصاد ایران است. ایران با انباشت ۱۴۷ میلیون بشکه نفت در مخازن شناور و کاهش ۸۴ درصدی درآمدهای نفتی مواجه شد و باعث اختلال در تأمین کالاهای اساسی از طریق مسیرهای دریایی شد.

با توجه به توقف آتش جنگ رمضان، بهترین زمان برای بازنگری در الگوهای تاب‌آوری و تقویت نقاط ضعف آشکارشده در جنگ رمضان فرا رسیده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای راهبردی برای ارتقای ظرفیت اقتصاد ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی آینده شامل تدوین «سند ملی تاب‌آوری سایبری» و طراحی نسخه آفلاین برای زیرساخت‌های حیاتی، طراحی نظام مالی مبتنی بر رمزارزهای ملی با قابلیت تراکنش آفلاین، بازتعریف راهبرد «نگاه به شرق» از انحصار به تنوع‌بخشی هوشمند (شامل هند، آسیای مرکزی، آفریقای جنوبی و آمریکای لاتین)، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق «برنامه ملی تحکیم سرمایه اجتماعی در شرایط بحران»، بازطراحی الگوی مدیریت بحران با ایجاد «واحد فرماندهی یکپارچه بحران» و برگزاری مانورهای منظم، بازسازی برنامه هسته‌ای با رویکرد تاب‌آوری در برابر حملات هوایی و سایبری، و تدوین سناریوهای واکنش سریع به تهدیدات ترکیبی آینده است. با این حال، مهم‌ترین درس راهبردی جنگ، ضرورت بازنگری اساسی در جغرافیای تجارت خارجی ایران و کاهش وابستگی به بنادر جنوبی و تنگه هرمز است. پیشنهاد می‌شود «برنامه ملی تنوع‌بخشی به مسیرهای ترانزیت و تأمین کالا» با اولویت‌های زیر تدوین شود: توسعه متوازن بنادر شمالی (دریای خزر) و افزایش ظرفیت تخلیه و بارگیری آنها، تقویت کریدورهای زمینی و ریلی شرق-غرب (از جمله مسیر چین-قزاقستان-ترکمنستان-ایران-ترکیه) به عنوان مسیرهای جایگزین، ایجاد ذخایر راهبردی کالاهای

اساسی به میزان حداقل ۶ ماه، و انعقاد قراردادهای بلندمدت با کشورهای همسایه شمالی و شرقی برای تأمین کالاهای استراتژیک از طریق مسیرهای زمینی و ریلی.

جنگ رمضان یک «هشدار راهبردی» بود و اگر از فرصت پساجنگ به درستی استفاده شود، ایران می‌تواند از دل یکی از سخت‌ترین آزمون‌های تاریخ خود، با اقتصاد مقاومتیِ متحول‌شده و تاب‌آوریِ بازتعریف‌شده، قدرتمندتر از قبل بیرون آید.

فهرست منابع

Ahmadi-Nejad, H., & Simbar, R. (2024). Understanding the nuclear decision-making model of the 13th government based on the post-colonialist discourse of the West. Journal of Strategic Knowledge, 14(57), 35–56. [In Persian]

Ajorlou, H. (2022). The capacities of the neighborhood policy of the 13th government in reducing security challenges. Journal of Strategic Studies of the Islamic World, 23(3), 5–26. [In Persian]

Eftekhari, A., & Ramezani, D. (2022). Analysis of America's strategic options and macro-operational maps against the Islamic Republic of Iran during the Biden era. National Security Quarterly, 12(45), 271–303. [In Persian]

Ghanbarlou, A. (2012). Iran's security perspective in the shadow of international sanctions with an emphasis on the security consequences of sanctions on the oil and gas industries. Iran-e Ayandeh, 1(1), 88–115. [In Persian]

Ghanbarlou, A. (2018). Analysis of the economic-security consequences of pre-JCPOA nuclear sanctions in Iran. Contemporary Political Essays, 9 (1), 139–163. [In Persian]

Gohari-Moghaddam, A., Bayatani, H., & Feizi, R. (2024). Strategic components of Iran-China relations in the foreign policy of the 13th government. Strategic Studies of Public Policy, 14(50). [In Persian]

Hosseini, S. M. (2022). Obstacles to the realization of neighborhood policy and Asian orientation in the 13th government. Foreign Policy Quarterly, 36(2), 5–26. [In Persian]

Khanjani, M., & Kargar, B. (2022). The role of population in national power production and the enhancement of national authority. State Studies of Contemporary Iran, 4(8), 35-54. [In Persian]

Lacy, Dean and Emerson M. S. Niou (February 2004) “A Theory of Economic Sanctions and Issue Linkage: The Roles of Preferences, Information, and Threats” The Journal of Politics, Vol. 66, No. 1, 25–42.

Moniri, S. H., & Athari, S. H. (2024). The conceptual metaphor of path and the evolution of justice in the foreign policy discourse of the 13th government. Iranian Journal of International Politics, 12(2). [In Persian]

Norouzi, M., & Nazifi Naeini, N. (2022). Ethnic divide, institutionalized paradigms, and the puzzle of sustainable peace in Afghanistan. State Studies of Contemporary Iran, 4(8), 43-65. [In Persian]

Nouri, V. (2020). Formation and evolution of financial sanctions in US foreign policy. Strategic Studies Quarterly, 23(1). [In Persian]

Rah-Najat, M. (2024). Economic diplomacy and national branding in the foreign policy of the 13th government. Strategic Studies of Public Policy, 14(50). [In Persian]
Rah-Najat, M. (2024). Evaluating the requirements of good governance in the foreign policy of the 13th government. Journal of Governance Studies, 2(2). [In Persian]
Rose, A. (2009). "Economic Resilience to Disasters". Journal of Homeland Security and Emergency Management, 6(1), 1-34.
Rostami, F. (2024). Geopolitical developments in the Middle East and the requirements of new regionalism in the foreign policy of the 13th government. Strategic Studies of Public Policy, 14(50). [In Persian]
Shiroudi, M., & Makaremipour, M. (2023). Scenario of future challenges facing the Islamic Revolution. State Studies of Contemporary Iran, 3(9), 43-65. [In Persian]
Soleimani, R. (2022). Discourse analysis of the foreign policy of the 13th government. Strategic Studies of Public Policy, 12(44), 11–38. [In Persian]
Zarati, M. (2023). Analysis of the security and economic consequences of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization. Journal of Defense Economics and Sustainable Development, 8(27). [In Persian]
Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2018). "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements". In L. Briguglio (Ed.), Handbook of Small States. London: Routledge.
Elliott, Kimberly Ann (2005) “Trends in Economic Sanctions Policy: Challenges to Conventional Wisdom” Peter Wallensteen and Carina Staibano, eds., International Sanctions: Between Words and Wars in the Global System, London & New York: Routledge.
Hoffman, F. G. (2007). Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars. Arlington, VA: Potomac Institute for Policy Studies.
Mousavi-Shafahi, M. (2009). Economic diplomacy. Center for Research of the Expediency Discernment Council. [In Persian]
North, D. C. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance. Cambridge: Cambridge University Press.
Radin, A. (2017). Hybrid Warfare in the Baltics: Threats and Potential Responses. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
Rezaei, A. (2021). The desired foreign policy of the Ebrahim Raisi administration: The model of justice-oriented order based on the soft balancing strategy. Negah-e Stratgic Publishing. [In Persian]
Skocpol, T. (1985). "Bringing the State Back In: Strategies of Analysis in Current Research". In P. B. Evans, D. Rueschemeyer & T. Skocpol (Eds.), Bringing the State Back In. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 3-37.
ABNA (AhlulBayt News Agency) (2026). Iran: US Naval Blockade is "Declaration of War". ABNA.
Al Jazeera (2026). Iran's Oil Revenue Plunges 84% Amid Naval Blockade. Al Jazeera Media Network.
Al Jazeera Centre for Studies (2026). Strategic Vulnerability of Iran's Southern Trade Routes. Doha: Al Jazeera Centre for Studies.
Anadolu Agency (2026). US Naval Blockade Causes $4.8 Billion Damage to Iranian Economy. Anadolu Agency.
BBC News (2026). Iran and US Reach Agreement: Strait of Hormuz Reopened. BBC.
Boin, A., & van Eeten, M. (2013). "The Resilient Organization: A Critical Appraisal". Public Management Review, 15(3), 429-445.

FDD (Foundation for Defense of Democracies) (2026). Economic Impact of the Naval Blockade on Iran. Washington, DC: FDD.
Foreign Affairs (2026). Iran's Strategy in the Strait of Hormuz: A New Chapter. Foreign Affairs.
Head of the National Emergency Organization (Miadfar, M.). (2026). Report on war damages to the health sector. [In Persian]
JNS (Jewish News Syndicate) (2026). Over 200 Ships Stranded in the Persian Gulf. JNS.
Khatam al-Anbiya Central Headquarters. (2025). Details of missile and drone attacks on Sheikh Isa, Al-Dhafra, and Al-Udeid air bases. [In Persian]
Khatam al-Anbiya Central Headquarters. (2025). Report on Operation True Promise 4 and strikes on targets in the heart of the occupied territories and US bases. [In Persian]
Mehr News Agency. (2025, March 9). Bombing of Narmak district in Tehran during the Ramadan War. [In Persian]
Middle East Eye (2026). Alternative Routes Cannot Fully Replace Hormuz: Experts. Middle East Eye.
New York Post (2026). Iran's Currency Plunges to Record Low Amid War. New York Post.
PressTV (2026, July 1). Iran's Economic Resilience in the Face of Israel's 12-Day War of Aggression. PressTV.
RFE/RL (Radio Free Europe/Radio Liberty) (2026). Iran Turns to Overland Routes Amid Naval Blockade. RFE/RL.
The Jerusalem Post (2026). Israeli Security Cabinet Briefed on Iran's "Economic Collapse". The Jerusalem Post.
The New York Times (2026). Iran-US Deal Includes $300 Billion Reconstruction Fund. The New York Times.
Times of India (2026). Iran's 147 Million Barrels of Oil Stranded in Floating Storage. The Times of India.